آنان را مى‌بینى [که چون‌] بر [آتش‌] عرضه مى‌شوند، از [شدت‌] زبونى، فروتن شده‌اند: زیرچشمى مى‌نگرند. و کسانى که گرویده‌اند مى‌گویند: «در حقیقت، زیانکاران کسانى‌اند که روز قیامت خودشان و کسانشان را دچار زیان کرده‌اند.» آرى، ستمکاران در عذابى پایدارند. (45) و جز خدا براى آنان دوستانى [دیگر] نیست که آنها را یارى کنند، و هر که را خدا بى‌راه کذارد هیچ راهى براى او نخواهد بود. (46) پیش از آنکه روزى فرا رسد که آن را از جانب خدا برگشتى نباشد، پروردگارتان را اجابت کنید. آن روز نه براى شما پناهى و نه برایتان [مجال‌] انکارى هست. (47) پس اگر روى برتابند، ما تو را بر آنان نگهبان نفرستاده‌ایم. بر عهده تو جز رسانیدن [پیام‌] نیست، و ما چون رحمتى از جانب خود به انسان بچشانیم، بدان شاد و سرمست گردد، و چون به [سزاى‌] دستاورد پیشین آنها، به آنان بدى رسد، انسان ناسپاسى مى‌کند. (48) فرمانروایى [مطلق‌] آسمانها و زمین از آنِ خداست؛ هر چه بخواهد مى‌آفریند؛ به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هرکس بخواهد فرزند پسر مى‌دهد. (49) یا آنها را پسر[ان‌] و دختر[انى‌] توأم با یکدیگر مى‌گرداند، و هر که را بخواهد عقیم مى‌سازد. اوست داناى توانا. (50) و هیچ بشرى را نرسد که خدا با او سخن گوید جز [از راه‌] وحى یا از فراسوى حجابى، یا فرستاده‌اى بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحى نماید. آرى، اوست بلندمرتبه سنجیده‌کار. (51)